

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال دوازدهم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۸ - شماره پیاپی ۴۶

تأملی در نثر ترجمه سرگذشت حاجی بابای اصفهانی

(ص ۱۵۳-۱۶۸)

میثم احمدی^۲، یوسف کرمی چمه^۳ (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۹۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان ۹۷

چکیده

کتاب سرگذشت حاجی بابای اصفهانی اثر جیمز موریه را میرزا حبیب اصفهانی ترجمه کرد. جنبه انتقادی و لحن طنز کتاب و همچنین نثر روان و زیبایی ترجمه آن، موجب نفوذ و اشتهار کتاب شده است. میرزا حبیب با استعداد بالای نویسندگی و بهره‌مندی از میراث پربراد ادب فارسی در ترجمه کتاب، هنر خود و توان زبان فارسی را آشکار ساخت. این ترجمه در شمار بهترین ترجمه‌های زبان فارسی قرار دارد. در این مقاله، با توصیف و تحلیل محتوا و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، نثر ترجمه میرزا حبیب بررسی شده است. در این کتاب، خصوصیات ویژه نثرهای مهم زبان فارسی مانند کاربرد شعر در نثر، استفاده از کنایات و واژه‌های رایج در زبان مردم، بهره‌گیری از زبان و ادبیات عرب، سلاست و استواری و... دیده می‌شود، که نثر آن را با نثر متون کلاسیک فارسی همانند می‌کند.

کلمات کلیدی: سرگذشت حاجی بابا، میرزا حبیب، ترجمه، نثر فارسی، گلستان سعدی.

۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علوم انتظامی امین

(meisam_ahmadi_۶۱@yahoo.com)

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علوم انتظامی امین (ykaramicheme@yahoo.com)

Contemplation on HajiBaba Isfahani tale translation prose

Yusef Karami Chemeh^۱, Meisam Ahmadi^۲

Abstract

Book of HajiBaba Tale by James Morier was translated by Mirza Habib Isfahani. The critical aspect and tune of the satire of the book, as well as the fluent and beautiful prose of its translation, have influenced and reputation the book. Mirza Habib, with his talent of writing and using the precious heritage of Persian literature in his translation of the book, revealed his art and the power of Persian language. This translation is among the finest Persian translations. In this paper, Mirza Habib's translation prose has been reviewed by describing and analyzing the content and using library resources. In this book, can be seen the special features of prose important Persian language, such as the use of poetry in prose, the use of allusions and common words in the language of the people, the use of Arabic language and literature, pleasure and stability, etc. which prose is similar to the prose of Persian classical texts.

Keywords: Tale of HajiBaba, Mirza habib, Translation, Persian prose, Sadi Golestan.

^۱- Department of Persian Language and Literature, Amin Police University (ykaramicheme@yahoo.com)

^۲- Department of Persian Language and Literature, Amin Police University (meisam_ahmadi_۶۱@yahoo.com)

۱- مقدمه

نثر در کنار شعر، یکی از دو بال ادبیات است؛ اما متأسفانه در طول تاریخ، توجه زیادی به آن نشده است. در کتابهای بلاغت و سخن‌شناسی، معمولاً از نظم و شعر سخن گفته شده است و محققان بیشتر در پی کشف راز و رمز کلام منظوم بوده‌اند. در مواردی که به نثر توجه کرده‌اند، آن را با سلب ویژگی‌های شعر و نظم تعریف کرده‌اند. (فن نثر در ادب پارسی، ص ۲۷).

«نثر در لغت به معنی پراکندن و تعریف تقریبی آن، سخنی است که در آن، معانی و مفاهیم به روشنی و ر سایی و با نظم منطقی و با پرهیز از به کار بردن وزن عروضی بیان شود و در آن اغلب، وظیفه لفظ، بیان معنی است.» (فرهنگنامه ادبی فارسی، ص ۱۳۳۷).

در کتاب فرهنگ اصطلاحات ادبی، نثر چنین تعریف شده است:

«نثر در لغت به معنی پراکنده و پراکنده کردن است و در اصطلاح، کلمه‌ای مغایر شعر و سخن بی‌پیرایه و صریحی باشد که انسان بدان وسیله مقاصد خود را در گفتار و نوشتار ادا میکند.» (فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص ۲۸۳).

شاید همین «نظم منطقی» و «بی‌پیرایگی» و «صراحت» کلام منثور است که سبب شده است تا علمای بلاغت کمتر به نثر توجه کنند؛ اما با وجود این سادگی باید گفت: «بررسی نثر دشوارتر از شعر است، زیرا ظواهر و تکنیکها و معیارها در شعر آشکارترند.» (کالبدشناسی نثر، ص ۹).

درباره آغاز نثر فارسی باید گفت که «تاریخ روشن و صریحی در دست نداریم» (گنجینه سخن، ص ۴) اما در دوره‌های مختلف تاریخ ادبیات فارسی، همواره نثرنویسان برجسته‌ای وجود داشته است که آثاری نظیر سیاست‌نامه، تاریخ بیهقی، کلیله و دمنه، گلستان، نفته‌المصدر، بهارستان، منشآت، چرند و پرند، یکی بود یکی نبود، کلیدر و... بر جای گذاشته‌اند.

میرزا حبیب اصفهانی^۱ یکی از کسانی است که در دوره قاجار، به نثر و کیفیت اثر منثور توجه کرده است. وی با ترجمه دو کتاب سرگذشت حاجی بابای اصفهانی و ژیل بلاس، از جمله افرادی است که به همراه علی‌اکبر دهخدا (چرند و پرند) و محمدعلی جمال‌زاده

^۱ - میرزا حبیب اصفهانی در قریه بن در حوالی اصفهان به دنیا آمد. در اصفهان و تهران تحصیل کرد و سپس راهی بغداد شد و در آنجا ادبیات و الهیات خواند. پس از برگشت به ایران، متهم به سرودن هجویه‌ای علیه سپهسالار شد و مورد تعقیب قرار گرفت و به عثمانی فرار کرد و در استانبول با شیخ احمد روحی و یارانش معاشرت داشت و در بیداری ایرانیان تلاش کرد. میرزا حبیب علاوه بر فعالیت‌های سیاسی، در فعالیتهای فرهنگی نیز فعال بود. اولین دستور زبان فارسی را با نام «دستور سخن» چاپ کرد و سپس آن را کامل کرده و با نام «دبستان پارسی» به دست چاپ سپرد. وی شاعر بود و در شعر «دستان» تخلص میکرد. توانایی او بویژه در هزل و هجو بود. عربی، ترکی، فرانسه را نیک میدانست و در ترجمه نیز دستی توانا داشت. (میرزا حبیب اصفهانی، ص ۱۱۲).

یکی بود یکی نبود) نثر فارسی را در حوزه داستان‌نویسی وارد مرحله تازه‌ای کردند. ترجمه میرزا حبیب از حاجی‌بابای اصفهانی ترجمه‌ای روان و عالی است و تا بدان پایه از تعالی رسیده که حتی میتوان گفت میرزا حبیب، کتاب را تألیف کرده است. در ادامه مقاله، پیشینه تحقیق، کلیاتی درباره کتاب، ترجمه و خصوصیات برجسته نثر آن خواهد آمد.

۲- پیشینه تحقیق

محققان غالباً در بحث از کتاب حاجی‌بابا، دو ویژگی بارز آن را مدنظر قرار داده‌اند: یکی، جنبه انتقادی کتاب و دیگری نثر آن. اما در این بین به انتقادات کتاب بیشتر و به‌طور جدی‌تری پرداخته شده و ویژگیهای بارز نثر آن، کمتر محل بحث واقع شده است. بیشتر کسانی که درباره نثر این کتاب سخن گفته‌اند، در جملاتی کوتاه و گاه کلی آن را ستوده و وارد جزئیات نشده‌اند.

ملک‌الشعراى بهار و غلامحسین یوسفی و کریم امامی در بحثهای خود به‌طور خاصتری پیرامون خصوصیات نثر حاجی‌بابا سخن رانده‌اند. بهار در سبک‌شناسی به شباهت حاجی‌بابا با گلستان سعدی اشاره مختصری کرده است. (سبک‌شناسی، ج ۳، ص ۳۶۶). جواد دهقانیان و صدیقه جمالی در مقاله «تأثیر گلستان سعدی بر ترجمه سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی»، با رویکردی بینامتنی، مشابهت‌های نثر این کتاب را با گلستان سعدی بررسی کرده‌اند. اسماعیل حدادیان مقدم در مقاله «میانجیگری در ترجمه و انتشار ترجمه فارسی سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی» به تصرفات مترجم کتاب (میرزا حبیب) در متن اصلی پرداخته است.

در این مقاله، نثر ترجمه سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی^۱ با دقت و از منظر توجه به خصوصیات ویژه و سبکی نثر فارسی - مانند استفاده از کنایات و واژه‌های رایج در زبان مردم، کاربرد شعر در نثر، بهره‌گیری از زبان و ادبیات عرب، سلاست و استواری و ... -

^۱ کتاب حاجی‌بابا دو جلد است، جلد اول آن را میرزا حبیب اصفهانی ترجمه کرده است. در این جلد، سرگذشت حاجی‌بابا در ایران، تا زمانی که به سمت منشی سفیر ایران در انگلیس انتخاب میشود، آمده است که به گواهی محققان نثر میرزا حبیب در این ترجمه شاهکار است. همین ویژگی ترجمه و نیز قویتر و برجسته‌تر بودن اصل آن باعث شده تا همه جا منظور از حاجی‌بابا همین جلد اول باشد نه جلد دوم. جلد دوم کتاب را اسدالله طاهری با عنوان حاجی‌بابا در لندن ترجمه و در بنگاه مطبوعاتی پروین چاپ کرده است. حسن ناصر نیز جلد دوم را ترجمه کرد. گفتنی است مهدی افشار نیز جلد اول کتاب را ترجمه کرده است؛ ولی ترجمه او مانند برگردان میرزا حبیب دلنشین و از نظر نثر قوی و پخته نیست بلکه به الفاظ و کلمات متن اصلی وفادارتر است و همین مطلب مجال هنرنمایی در نثر را از مترجم گرفته است. همچنین جلد اول را میرزا اسدالله خان شوکت‌الوزاره با نام «سوانح عمری حاجی‌بابای اصفهانی» ترجمه کرده و در سال ۱۳۲۳ ق. در بمبئی چاپ کرده است. (پانزده گفتار، ص ۳۱۱). یوسف رحیم‌لو نیز این کتاب را در سال ۱۳۵۱ و در انتشارات حقیقت تبریز، چاپ کرده است. دکتر سیدعلی آل‌داوود، با انتشار مقاله «نخستین ترجمه سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی به فارسی»، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، وزیر انطباعات عصر ناصری را نخستین مترجم کتاب میدانند. اعتمادالسلطنه کتاب را از زبان فرانسه ترجمه کرده است. آل داوود، یازده گفتار نخست این کتاب را تصحیح و در سال ۱۳۹۲ در انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی چاپ کرد.

بررسی خواهد شد. هیچ محققی، کتاب را از منظر این مقاله بررسی نکرده است.

۳- کلیاتی درباره کتاب

حاجی‌بابای اصفهانی سرگذشت شخصی به نام حاجی‌باباست که پسر یک دلاک است و در لابه‌لای شرح زندگانی این شخص، بخشهایی از جامعه ایران نیز به تصویر کشیده میشود. در واقع هر بار که حاجی‌بابا به شهری وارد میشود یا شغلی انتخاب میکند، نویسنده فرصت را مناسب میبندد و توضیحاتی درباره آن شهر و شغل و اطرافیان حاجی‌بابا، بر زبان او و دیگران مینهد و انتقاداتی را مطرح میکند و به این ترتیب ماجرا را پیش میبرد. «این داستان پیکارسک، وقایع‌نامه‌ای است طنزآمیز از زندگی و سفرهای یک عیار که ماجراهای گوناگونی را از سر میگذراند و درگیر صحنه‌های جالبی از زندگی ایرانی میشود.» (دانشنامه زبان و ادب فارسی، مدخل سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی).

کتاب در هشتاد گفتار تنظیم شده است و پس از اشاره مختصری به تولد حاجی‌بابا، وارد جوانی او میشود و او را در دکان دلاکی پدرش و سرگرم ریش تراشیدن نشان میدهد. این بخش نیز به سرعت پیش میرود و نویسنده که قصد دارد حاجی‌بابا را از آن دکان کوچک بیرون بیاورد و به عرصه اجتماع بکشد، ماجرای سفر را مطرح میکند و هوای مسافرت را در سر وی می‌اندازد. چند لحظه بعد حاجی‌بابا همراه عثمان آغا و در نقش دستیار او با کاروانی عازم مشهد است. تمام این اتفاقات در همان سه صفحه اول رخ میدهد. در ادامه ماجراهای مختلفی برای حاجی‌بابا پیش می‌آید؛ از اسارت گرفته تا سقایی، قلیان فروشی، عشق‌بازی، دزدی، سپاهی‌گری، مرگ پدر، خروج از ایران برای تجارت، آشنایی با میرزا فیروز ایلچی، تاریخ‌نویسی، بازگشت به ایران و اعزام به انگلیس با عنوان منشی اول سفارت ایران.

کتاب سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی را جیمز موریه^۱ (James Justinian Morier) نوشته و میرزا حبیب اصفهانی ترجمه کرده است. به عقیده برخی از صاحب‌نظران «بعد از ترجمه رباعیات خیام شاید هیچ کتاب انگلیسی به اندازه سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی، ایران و ایرانی را بر سر زبان اروپاییان نینداخته باشد.» (پانزده گفتار، ص ۲۸۳).

جیمز موریه این کتاب را «به قصد انتقاد از ایرانیان و نمودن جهات زشت آداب و رسوم

^۱ - جیمز موریه (۱۸۴۹-۱۷۸۰ م.) به همراه سر هارفورد جونز به ایران آمد و در دو مقطع زمانی در مجموع حدود شش سال منشی و کاردار سفارت انگلستان در ایران بود. (رک به: تاریخ روابط سیاسی ...، جلد اول، فصول ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۹ و پانزده گفتار، ص ۲۸۹-۲۹۱). وی در جهت اهداف انگلستان نقش مهمی ایفا کرد و با دستور سرگور اوزلی، سعی در جلب اعتماد رجال ایرانی داشت تا منافع انگلستان را حفظ کند. وی در جهت سیاستهای انگلستان، اقدام فرهنگی نیز انجام داد. او پس از ترک ایران، چند کتاب انتشار داد و در آنها ایران و اسلام را به باد انتقاد و تمسخر گرفت. بیشتر محققان پس از مطالعه آثار موریه، از روح ناسازگار و بدخواه وی نسبت به ایران سخن گفته و اشاره کرده‌اند که او تنها به معایب ایرانیان پرداخته و زشتیها را دیده و چشم خود را به روی فضایل قوم ایرانی بسته است. (رک به: کتاب حاجی‌بابا و ...، ص ۴۷ و محیط طباطبایی به نقل از میرزا ابوالحسن خان ایلچی، ص ۱۲۶)

ایرانی» با گزافه‌گویی و اغراق نوشت (از صبا تا نیما، ج ۱، ص ۳۹۶). همچنین اکثر محققین معتقدند که نویسندگان در تصویر کردن معایب و مفاسد اخلاق ایرانی بی‌انصافی کرده و آداب‌ور سوم ایرانیان را به تمسخر گرفته است. (همان، ص ۳۹۸ و کتاب حاجی‌بابا و...، ص ۴۶ و یادداشتها، ص ۲۲ و ۲۳). میرزا حبیب اصفهانی که کتاب را محمل مناسبی برای بیان انتقادات خود به وضع حکومت و جامعه ایرانی زمان قاجار میدید، با هدف بیدار کردن و آگاهی بخشیدن به ایرانیان آن را ترجمه کرد.

موفقیت ترجمه میرزا حبیب، موجب طرح این نظریه شد که «کار موریه احتمالاً بر اساس اصلی فارسی نوشته شده است و از آنجا که نظریه مذکور این تسکین خاطر را به ایرانیان میداد که انتقاد مورد نظر شاید از سوی یک ایرانی صورت گرفته باشد، قوت و اعتباری پیدا کرد. این نظریه اکنون به کلی رد شده است.» (تاریخچه ترجمه در ایران، ص ۶۲).

۴- نثر ترجمه حاجی‌بابا از دیدگاه منتقدان

نثر میرزا حبیب در این ترجمه، تحسین منتقدان را برانگیخته است. ملک‌الشعرا بهار عقیده دارد: «نثر حاجی‌بابا گاهی در سلاست و انسجام و لطافت و پختگی مقلد گلستان و گاه در مجسم ساختن داستانها و تحریک نفوس و ایجاد هیجان در خواننده نظیر نثرهای فرنگستان است، هم ساده است و هم فنی... و در جمله یکی از شاهکارهای قرن سیزدهم هجری است» (سبک‌شناسی، ج ۳، ص ۳۶۶).

آرین‌پور نثر حاجی‌بابا را «از بهترین نثرهای عهد اخیر» میداند. (از صبا تا نیما، ج ۱، ص ۴۰۰). خانلری معتقد است، در آن عصر فقط میرزا حبیب توانسته «راز فصاحت را دریابد» و حاجی‌بابا را «نمونه نثر جدید فارسی» دانسته است. (به نقل از یادداشتها، ص ۴۱). ذبیح‌الله صفا، مترجمان و نویسندگان دوره بیداری نظیر طالبوف، محمدطاهر میرزا اسکندری، میرزا حبیب و... را متمایل به ساده‌نویسی میداند و نثر آنها را دارای شیوه‌ای پسندیده معرفی میکند. (گنجینه سخن، ص ۲۰). در دیباچه حاجی‌بابا، جمال‌زاده نثر کتاب را از شاهکارهای نثر فارسی شمرده (رک به: دیباچه جمال‌زاده بر حاجی‌بابا صفحه پنج). یوسفی سخن جمال‌زاده را نقل و تأیید کرده است. (رک به: یادداشتها، ص ۲۶). امامی نیز نثر میرزا حبیب را «از بهترین نمونه‌های نثر دوره قاجار» میداند. (از پست و بلند ترجمه، ص ۴۸). شفیع کدکنی، میرزا حبیب را یکی از بزرگترین مترجمان عصر میداند. (با چراغ و آینه، ص ۲۴۵).

در این کتاب، ردپای میرزا حبیب جابه‌جا دیده میشود. از تعبیرات و اصطلاحات دقیق فارسی، ضرب‌المثلها، اشعاری که مناسب مقام وارد متن شده است، بهره‌گیری از ساختار گلستان، میتوان سایه میرزا حبیب را در کتاب دید. نثر عالی و فاخر میرزا حبیب در ترجمه

حاجی‌بابا در جلب توجه مردم ایران به آن بسیار مؤثر افتاد و در نتیجه میرزا حبیب را به هدف خود - بیداری مردم ایران - نزدیک کرد و شاید به همین جهت است که این ترجمه را یکی از عوامل مهم بیداری ایرانیان، مقارن انقلاب مشروطیت، شمرده‌اند. (یادداشتها، ص ۱۸).

امامی که خود از مترجمین برجسته است و با زبان انگلیسی و فرانسه هر دو آشناست، پس از مقایسه صفحاتی از آغاز و میان و پایان ترجمه حاجی‌بابا با اصل انگلیسی و ترجمه فرانسه آن، نتیجه گرفته است: ترجمه میرزا حبیب، ترجمه‌ای است که به روح کتاب وفادار است و دخل و تصرفات مترجم در متن اصلی در جهت هماهنگ کردن مطالب با موضوعات ایرانی و حالات و روحیات ایرانیان است (از پست و بلند ترجمه، ص ۴۸).

۵- ویژگیهای نثر ترجمه حاجی‌بابا

برای داوری دقیقتر درباره نثر ترجمه سرگذشت حاجی‌بابا، تحلیل و توصیف ویژگیهای آن ضرورت دارد. این پژوهش نشان میدهد که میرزا حبیب تا چه حد توانسته است با بهره‌گیری از عناصر اصیل فرهنگی و به‌کارگیری شگردهای شایع در نثر فارسی، آن را به نثر فاخر فارسی پیوند بزند.

۵-۱- کاربرد شعر در میانه نثر

ویژگی اصلی متون نثر کهن بویژه متون نثر فنی، کاربرد شعر در آنهاست. این اشعار در ابتدا به‌منظور تأیید و تأکید مطلب گفته شده بود و بسیار مناسب و بجا به کار میرفت؛ اما به تدریج دقت در تناسب اشعار با متن کمتر شد و در نثرهای فنی گاه به جایی رسید که نویسنده به دنبال آن بود تا به هر بهانه‌ای، اشعاری را در متن وارد کند.

در ترجمه میرزا حبیب از حاجی‌بابا، اشعار بسیاری وارد شده که همگی درست و بجا به کار رفته است. وی از یک مصراع گرفته تا یک غزل کامل را برای بیان مقصود خویش به متن راه داده است. این اشعار البته گاهی ساخته خود اوست؛ ولی اغلب از مشهورترین اشعار شاعرانی مانند سعدی و حافظ در متن استفاده شده است. شیوه میرزا حبیب در استفاده از شعر در متن مانند سعدی در گلستان است و گفته اشتباهی نیست اگر بگوییم به گلستان نظر داشته بخصوص که برخی عبارات گلستان را نیز تضمین کرده است. وی به دو صورت اشعار را وارد متن خود کرده است، یا در میان عبارات، بیت یا مصراع را بصورت مستقیم آورده است:

«روز دیگر وقتی اجازه دادند که چشمها را بگشاییم خود را در جایی دیدیم که به غیر از چشمهای تنگ و ریز ترکمنها احدی آنجاها را ندیده است. آنگاه پس از عبور از پستیها و بلندیهایی بسیار و بی‌آبادانی به دشت پهناوری رسیدیم که آن سرش به دیار آخرت

میپوست. تا چشم کار میکرد سیاه‌چادر در پشت سیاه‌چادر بود. چادر و خیمه و گله و رمه پایان نداشت. آن وقت فهمیدیم که به دشت ترکمانان رسیده‌ایم.

همین وادی است آن بیابان دور که گم شد درو لشکر سلم و تور»
(حاجی‌بابا، ص ۱۳)^۱

درمجموع در این ترجمه ۱۹۶ بیت کامل و ۳۷ مصراع بصورت جداگانه، وارد شده است. استفاده میرزا حبیب از اشعار فارسی تنها به این شیوه نیست، بلکه گاه در پس‌زمینه مطلبی که مینویسد، به بیتی مشهور نظر دارد. این ویژگی که لطف خاصی به نثر حاجی‌بابا داده است در سرتاسر کتاب دیده میشود. شواهد زیر از این جمله است: «اما مادرم بر عکس سودی در این سودا نمیدید و دلش به جدایی و دوری از من گواهی نمیداد» (۵) که یادآور بیت زیر است:

دل من همی داد گفתי گواهی که باشد مرا روزی از تو جدایی
(دیوان فرخی سیستانی، ص ۳۹۴)

«آخر من شما را هم‌مذهب و هم‌خاک میپنداشتم و از شما چشم یاری داشتم حقا که خود غلط بود آنچه من پنداشتم» (۴۳) که بیت زیر را به یاد می‌آورد:

ما ز یاران چشم یاری داشتیم خود غلط بود آنچه میپنداشتیم
(دیوان حافظ، ص ۳۶۲)

«حرفی نیست که باید برون کشید از این ورطه رخت خویش» (۷۰) که یادآور بیت زیر است:

ما آزموده‌ایم در این شهر بخت خویش بیرون کشید باید از این ورطه رخت خویش
(دیوان حافظ، ص ۲۸۶)

«آقای حکیم‌باشی که در ظاهر آن همه جانماز آب میکشد و تقدس میفروشد چون به خلوت میرود آن کار دیگر میکنند» (۱۲۲) که تداعی‌کننده بیت زیر است:

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر میکنند چون به خلوت میروند آن کار دیگر میکنند
(دیوان حافظ، ص ۱۹۴)

«شاه را مرگ یک کنیزک آن قدرها متأثر نمیکند و بهتر از او در خیلش کم نیست» (۱۲۷) که علاوه بر تداعی داستان «شاه و کنیزک» مثنوی، بیت زیر را به ذهن می‌آورد:

تو را نادیدن ما غم نباشد که در خیلت به از ما کم نباشد
(غزل‌های سعدی، ص ۱۳۶)

^۱ - از این پس در ارجاع به متن حاجی‌بابا، تنها شماره صفحه ذکر میشود.

۵-۲- کاربرد ضرب‌المثل و کنایه

در این کتاب، امثال و کنایات بسیاری به کار رفته و مترجم، آشنایی عمیق و دقیق خود را با زبان فارسی نشان داده است. «پیدا کردن ظرفی برای خون، سر گاوی بود که در خمره گیر کرده باشد» (۱۸)، «ماست‌ها را به کیسه انداختند و رنگها را باختند و اسبها را تاختند» (۴۲)، «مردم آنجا مارها خورده افعی شده بودند» (۶۰)، «هر از بر تشخیص نمیدهد» (۸۴)، «آقای حکیم‌باشی که در ظاهر آن همه جانماز آب میکشید و تقدس میفروشد چون به خلوت میرود آن کار دیگر میکنند» (۱۲۲)، «کار و بار چله شد» (۱۶۳)، «چشمم از او آب نمیخورد» (۲۵۶)، «دانستم که نانم در روغن است» (۳۳۰).

۵-۳- استفاده از زبان عامیانه

کلمات، تعبیرات و کنایات زبان عامیانه در کتاب حاجی بابا فراوان به کار رفته و لطف خاصی به آن داده است. «قید ... زدن» (۳)، «دم و دستگاه» (۳)، «لوس و نزر» (۴)، «کوره سواد» (۴)، «در مشهد تو سر سگ بزیند فالگیر و رمال بالا می‌آورد» (۵۰)، «شات و شوت» (۶۶)، «خر پول» (۷۵)، «اگر بخت یار باشد تا شام بی سر خر با هم خوش خواهیم بود» (۱۲۱).

موارد ذکر شده، تنها مشتی از خروار است. استخراج و اشاره به همه این کلمات و اصطلاحات، مقامی و مقالی دیگر میطلبد.

۵-۴- استفاده از آرایه‌های ادبی

در نثر ترجمه حاجی بابا همانند نثر گلستان، آرایه‌های ادبی بسیاری وجود دارد که شاید در نگاه اول چندان به چشم نیاید؛ ولی همین آرایه‌ها و تناسبات لفظی است که در کنار دیگر ویژگیهای کتاب، خصلتی به آن داده است که خواننده را به خواندن آن تشویق میکند. در سرتاسر این کتاب، سجع و جناس و ایهام و واج‌آرایی و تضاد و دیگر آرایه‌ها به کار رفته است که در اینجا چند نمونه ذکر میشود: «سر تراشی من در حقیقت نوعی از سرخراشی بود» (۴)، «اما مادرم بر عکس سودی در این سودا نمیدید» (۵)، «با این همه دلکش به پا و حلقش بجا، دیگش همواره در جوش و قلیانش مدام در خروش بود» (۷)، پس از اینکه ترکمانان کلاه لته‌ای عثمان آغا را میبرند و کلاه کهنه‌ای به او میدهند: «چنین کلاهی را بر سر عثمان آغا گذاشتند» (۱۵)، «حرف روس منحوس هیچ قابل زدن نیست» (۱۵۵). این نمونه آخری (روس منحوس) حکایت از آشنایی مترجم با ذهن و زبان شاهان قاجار نیز دارد.

۵-۵- سایه زبان عربی در کتاب حاجی بابا

یکی دیگر از ویژگیهای دیگر کتاب حاجی بابا که آن را به متون کهن شبیه کرده است،

بهره‌گیری از ترکیبات، عبارات و جملات عربی است. این خصیصه که آشنایی مترجم با زبان عربی را میرساند به چند صورت در کتاب دیده می‌شود:

الف) وارد شدن جملات یا عبارات دعایی - که در متون گذشته فراوان است - یا جملات پر مغز و کوتاهی - که در زبان عربی مشهور است - برای مثال به چند مورد اشاره می‌شود: «طرداً للباب» (۴)، «هنیأ و مریأ» (۴۶)، «لا تعد و لا تحصی» (۱۰۵)، «العهد علی الراوی» (۱۱۴)، «کلام الملوک ملوک الکلام» (۱۴۱)، «الجنون فنون» (۱۵۴)، «غفر کم الله» (۲۲۶)، «من صبر ظفر» (۲۳۴)، «المقدر کائن» (۲۹۱).

ب) ویژگی دیگر نثر میرزا حبیب، استفاده فراوان از آیات و روایات و به اصطلاح گفتمان دینی است که این امر نیز باعث شده است تا ترکیبات و عبارات فراوانی از زبان عربی به متن حاجی‌بابا وارد شود: «قربۀ الی الله» (۴)، «الخبیثات للخبیثین» (۱۱)، «اصلاح ذات البین» (۱۹)، «الله یقدر من یشاء و هو بکل شیء قدير» (۲۰)، «هباءاً منثوراً» (۱۱۰)، «تعاونوا و تحابوا» (۲۲۶)، «سبحان الله» (۲۲۷)، «ان الله عالم الغیب و الشهاده» (۲۵۲)، «حی علی خیر العمل» (۲۹۷)، «عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم» (۳۰۲).

ج) در ادامه همین مطلب باید گفت که در کتاب حاجی‌بابا گاه جملات و عباراتی دیده می‌شود که اشاره به قواعد زبان عربی دارد و نشان می‌دهد قواعد و دستور زبان عربی و فارسی از دغدغه‌های ذهنی و فکری میرزا حبیب بوده است: «شوهری است که محلی نه تنها از اعراب بلکه از حرکت ندارد» (۱۱۴) یا «دیروز مردم تو سر من میزدند و امروز من بر سر مردم میزنم و حقا که اسم فاعل و مفعول را نمونه‌ای هر چه کاملترم. روزی که آخوند چوبم میزد تا عربی بیاموزم اسم مفعول و به‌منزله لازم بودم و امروز که فاعل شده‌ام میتوانم به دیگران تجاوز نمایم و برآستی که اسم فاعلم و متعدیم» (۱۶۲) و «در زیر لحاف پر قو صیغۀ وصل یصل و صلا فهو واصل و ذلک موصول را با تمام تشریفاتش صرف کردم» (۳۳۶)

۵-۶- لحن متون کهن

در کتاب حاجی‌بابا، جملات و صفحاتی نوشته شده که لحن متون کهن ادب فارسی را دارد. کلمات، ترکیبات، تشبیهات و کنایاتی را که در متون کلاسیک وجود دارد، در این کتاب نیز میتوان دید؛ مانند: «من در آن راه از تنگنای عدم به فراخنای وجود قدم نهادم» (۳)، «حمرۀ مغربی بر طرف گردید و ماه تابان از جانب مشرق نمایان گردید» (۱۱۵)، «زاین‌رو همین که اسیران کند بر پای بهار از غل و پالهنک افراسیاب بهمن و اسفندیار رهایی یافتند و شهرنشینان ربیع را که از رنج بساق دی در کوهها و دره‌های دور دست در قشلاق بودند ایام خلاصی فرا رسید...» (۲۳)، «بیگلریگی نمیدانست چه بایدش کرد» (۳۰۰)، «قدری هم به حال من گریه کن که دیشب در دواج سمور خفته بودم و امشب باید لب تنور بخسبم» (۳۵۲).

از میان متون کلاسیک، متنی که میرزا حبیب بیش از همه به آن نظر داشته، گلستان سعدی است. کاربرد آرایه‌هایی مانند سجع و تضاد و واج‌آرایی و آوردن اشعار متناسب با مقام در متن و نیز لحن شوخ‌وشنگ ترجمه حاجی بابا بیش از هر کتابی، گلستان سعدی را در ذهن خواننده تداعی میکند. میرزا حبیب عباراتی از کتاب سعدی را با تغییراتی تضمین کرده است تا خود نیز به توجهش به گلستان اشاره کرده باشد: «برای ده شاهی احسان، پنج تومان انعام میخواهند. از همه گذشته این احسان‌ها از کجا که پایدار باشد، مگر سعدی دروغ گفته که بر آواز خوش کودکان و بر دوستی پادشاهان اعتماد نشاید که آن به خوابی متغیر گردد و این به خیالی متبدل شود» (۱۱۱) که اشاره به عبارتی از گلستان دارد. (رک به: گلستان سعدی، ص ۱۷۱). این عبارت نیز سعدی‌وار است: «قلیان ممد حیات و شراب مفرح ذات است». (۷۳) که اشاره به دیباچه گلستان دارد.

همچنین میرزا حبیب یک جا به میرزا مهدی خان استرآبادی نویسنده دره نادره اشاره میکند که نشان میدهد به سبک نویسندگی او نیز نظر داشته است: «دو هفته‌ای از نوروز فیروز گذشته بود که به قول خدایا میرزا مهدی خان نادری نسیم عنبر شمیم بهار از فروردین مژده رنگین آورد و بقیه السیف بهمن و شتا گرسنه و ناشتا روی به هزیمت نهاد و...» (۱۰) که اشاره به عبارتی از دره نادره دارد: «...سه روز بعد از نوروز فیروز... از کشور جهان برانداخت، و فروردین، شکست بر لشکر بهمن افکنده...» (دره نادره، ص ۲۷۴).

۵-۷- طنز و شوخ‌طبعی

طنز، طعن و تعریض ویژگی کتابهایی است که نویسندگان آنها موضوعی، مسئله‌ای یا شخصی را مورد انتقاد قرار میدهند. یکی از خصایص بارز حاجی بابا نیز جنبه طنزآمیز آن است. روح شوخی و طنز را از همان آغاز در این کتاب میتوان دید، حتی در انتخاب نام اشخاص داستان نیز این ویژگی رعایت شده است و اسامی قهرمانان معمولاً توصیفی و خنده‌دار است که نویسنده و مترجم در ورای اسمها، قصد انتقاد از حرفه و شغل آن اشخاص دارند. اسامی‌هایی مانند حاجی بابا، درویش بی‌دین، ملا نادان، میرزا احمق حکیم‌باشی، نامرد خان، تیز نگاه و... نام اشخاص داستان هستند. قبلاً گفته شد که کتاب ژیل بلاس - یکی از الگوهای نویسنده که مترجم آن نیز میرزا حبیب است - نیز چنین ویژگی‌هایی دارد. (بحثی درباره...، ص ۱۰۳۲ و یادداشتها، ۱۳۷۰:۳۹).

علاوه بر این، هنگام توصیف ظاهر و باطن اشخاص نیز جملاتی به کار رفته است که از روحیه شوخ و طنزگویی نویسنده و مترجم خبر میدهد: «ناگاه بینی بزرگی و قوز کلانی و شکم به‌غایت عظیمی در مقابل نظرم جلوه‌گر گردید» (۲۷۴)، «قد و بالایش را ببین، خدا پدر فیل را بیامرزد و اگر پاهایش را می‌گویی که خدا پدر شتر را رحمت کند» (۱۴۷)، «ملا

باشی که در هر کاری خر حسابی است در حساب کار خود خیلی روباه است» (۲۶۶)، «بینی و بین الله خیلی خر تشریف دارند» (۳۵۵)

۵-۸- رعایت گفتمان در بافت کلام و آوردن اصطلاحات حرفه‌ها

هرگاه که در کتاب به شغلی خاص اشاره میشود یا حاجی‌بابا حرفه‌ای برمبگیرند به مناسبت توضیحاتی درباره آن شغل و حرفه می‌آید و تا زمانیکه حاجی‌بابا به آن کار مشغول است، در متن کتاب گفتمان و اصطلاحات خاص آن حرفه رعایت میشود؛ مثلاً: در آغاز کتاب که به شغل پدر حاجی‌بابا یعنی دلاکی و اشتغال خود او به آن در آغاز جوانی اشاره میشود، یکسره سخن از تراشیدن مو و کاکل آرایبی است (۵ و ۴)، یا زمانیکه حاجی‌بابا سقا میشود، دیگر سخن از آب و تشنگی و کربلا و زمزم است (۴۹-۴۶) و به هنگام قلیان فروش شدن، از اقسام تنباکو و تنبلی و سستی سخن به میان می‌آید. (۵۱ و ۵۰).

۵-۹- کاربرد فعل پیشوندی

پیشوندها جهت معنایی دقیقتری به فعل میدهد و به بار معنایی آن می‌افزاید چنانکه مثلاً میان فرو نگرستن با نگرستن تفاوت معنایی وجود دارد. در متونی مانند کلیله و دمنه - مثلاً باب شیر و گاو- افعال پیشوندی کارکردی دقیق دارند. کاربرد فراوان فعل‌های پیشوندی از ویژگیهای دیگر ترجمه حاجی‌باباست: «پس از آن موقع استراحت فرا رسید» (۲۰۶)، «بجای این کار بهتر است دشنه آبدار بر سینه خود فرو کنم» (۲۰۹)، «ترا به خدا دست از سر کچلم بردار» (۲۳۲)، «سرگرم کشیدن قلیان بود و صدایی در نمی‌آورد» (۲۷۴)، «اما من از دیدارشان روی بر میتافتم» (۳۳۸).

۵-۱۰- مصادر جعلی

افعال و مصادر جعلی را برخی نمی‌پسندند اما اگر کاربردی مقبول بیابد به زایایی زبان کمک میکند. افعال و مصدرهای قیاسی که مترجم ساخته و به کار برده لطف خاصی به نثر کتاب داده است: «نعریدم و نغیریدم» (۷۳)، «هر چه را شکل آدمی داشت میزدم و میکوبیدم و میخرا شیدم و میزخمیدم» (۱۶۲)، «همانجا میتر شیدم و می‌تلخیدم» (۲۳۷)، «با دهانهای کثیف مدام خندیدند و تفیدند» (۳۶۹).

۵-۱۱- کاربرد فعل مجازی

در کتاب حاجی‌بابا، فعل مجازی- فعلی که به جای فعل دیگر به کار میرود- بسامد بالایی دارد. این نوع افعال که کاربردشان از نثر فنی شروع شد به نویسندگان امکان میدهد که از تکرار پرهیز کند:

«غلام سیاه نیز شمشیر نیم شکسته‌ای و تفنگ بی چخماقی دست و پا کرده، سیاهی لشکر گردید» (۸)، «اول بیابانی نمکزار و از آب و گیاه بی آثار نمودار گردید» (۱۰)، «آنگاه حکیم‌باشی پادشاه را تنها به اندرون هدایت نمود» (۱۴۵).

۵-۱۲- حذف فعل به قرینه

نویسنده با حذف فعل در جایی که قرینه هست و حذف فعل اختلال و تعقیدی در متن ایجاد نمیکند، از تکرار پرهیز میکند و به ایجاز کلام که موردپسند است نزدیک میشود: «راهها را رفته بودند و آب پاشیده» (۱۳۸)، «آخرین شربت، شربت انار بود و یخ مانند بلور در همه شناور» (۱۴۵)، «حالم خراب است و دلم بی تاب». (۳۳۴).

۵-۱۳- آوردن «ب» بر سر ماضی ساده

این ویژگی نیز، نثر کتاب را به متون کلاسیک شبیه میسازد. اضافه کردن «ب» به ماضی ساده گاه برای تأکید است و گاه هیچگونه تأکیدی را نمیرساند؛ اما در حال حکایت از آشنایی مترجم با متون کلاسیک دارد: «این بگفت و از حضور براند» (۴۵)، «علی زمین خدمت ببوسید» (۷۷)، «وقتی مادیان بمرد همه قبیله عزاداری و سوگواری کردند» (۱۲۶)، «این بگفت و برفت». (۳۲۸).

۵-۱۴- جملات دعایی

تقلیدی است از جملاتی که در متون کهن، هنگام یادکرد سلاطین و پادشاهان و اشخاص می آمد: «علیحضرت شهریاری- ارواحنا فداه- با آن عقل و فهم و شعور...» (۳۵۵) گاه نیز اینگونه جملات در آغاز کلام و بدون آنکه نام کسی ذکر شده باشد، آمده: «غفرکم الله، ما مدتی است که ترک دنیا گفته و دیده به آخرت دوخته ایم». (۲۶۶).

۵-۱۵- تأخر شبه جمله

در متن کتاب، گاهی دیده میشود که آوردن شبه جمله به پایان جمله موکول شده است؛ مانند: «اگر تو به خلاصی من نکوشی وای بر من» (۳۹) و «کو تا تو آدم بشوی، هیهات، هیهات». (۳۴۰).

۵-۱۶- کاربرد کلمات ترکی

ویژگی دیگر کتاب حاجی بابا که آن را به متون نثر کلاسیک بالأخص متون بعد از عهد مغول نزدیک میکند، کاربرد فراوان کلمات و اصطلاحات ترکی است. البته این ویژگی در جاهایی از کتاب که از ترکان سخن میرود به مناسبت مقام و موقع بیشتر است. از جمله در گفتار دوم و سوم و چهارم و پنجم که حاجی بابا در میان ترکمانان و اسیر آنان است. «ساعت سکز یلدیز» (۱۷)، «سوقان گرفتن اسب» (۲۴)، «کلاه پاخپاخی قلباخی در غایت بزرگی بر سر» (۲۴)، «میدان قشه (یعنی م سابقه اسبدوانی)» (۲۴)، زمانی که حاجی بابا وارد استانبول میشود نیز به مناسبت کلمات و اصطلاحات ترکی وارد متن میگردد. «خیر اولسون» (۳۲۵)، «بیورک». (۳۲۵).

۵-۱۷- اصطلاح‌سازی

میرزا حبیب اصطلاحات و کلماتی از خود ساخته که شیرینی خاصی به متن کتاب داده است. البته این نکته نیز در آثار بیهقی و سعدی رعایت شده است. نمونه‌هایی از حاجی‌بابا: «تیغ‌رانی» (۴)، «قیامتگاه» یعنی زمان قیامت (۶۱)، «عرآف» بر وزن حرآف یعنی زیاد عرعر کننده (۳۷۴).

۵-۱۸- عبارات و کلمات خاص

در لابه‌لای صفحات حاجی‌بابا، کلمات و جملات جالبی وجود دارد که کتاب را خواندنی‌تر کرده است: «از اسلامبول هم خبر رسیده بود که بازار پوست بره بسیار شیرین است.» «صیغه تسلیم را جاری ساختیم» (۱۲)، «شیرعلی در خدمت و کار چکیده بلکه مربا بود» (۱۶۰)، «نمیدانم آن سخنان درشت در آن دهان کوچک چگونه می‌گنجید» (۳۴۱).

۵-۱۹- نوع خاصی از قید

در کتاب، به جای قید «خیلی، زیاد» از لفظ «پر» استفاده شده است. «میدانستیم که منازل خطرناک پر دور نیست» (۸)، «اسبش هم پر بد نبود» (۹). این شگرد قیدسازی پیش از این در تاریخ بیهقی به کار رفته است که نویسنده با قیدهایی مانند «ترگونه»، «ر سول گونه» و... کو شیده است حد مطلب را بین صفر و یک قرار دهد و بدین‌وسیله معنی را در مرز میان دو مرحله نگه دارد و معنی تشکیکی بدان ببخشد: «حسنک پیدا آمد بی‌بند، جبه‌ای داشت حبری رنگ با سیاه می‌زد، خلق گونه، دراعه و ردایی سخت پاکیزه...». (تاریخ بیهقی، ص ۲۳۱). بنابراین وقتی میرزا حبیب می‌نویسد: «اسبش هم پر بد نبود» یعنی هم خوب نبود و هم بد نبود بلکه معنای سومی بین خوب و بد را به مخاطب القاء می‌کند، معنایی نزدیک به «بدک».

۶- نتیجه‌گیری

میرزا حبیب اصفهانی یکی از کسانی است که در دوره قاجار، به نثر و کیفیت اثر منثور توجه کرده است. وی با ترجمه دو کتاب سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی و ژیل بلاس، قدرت و ظرفیت زبان فارسی را در ترجمه و توانمندی خود را در نگارش به زبان فارسی نشان داد.

کتاب سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی با اینکه یک نثر مترجم است؛ ولی ترجمه‌ای خشک و بی‌روح نیست بلکه میرزا حبیب با فضل و فرهنگی که داشت، کتاب را تا حد یک اثر تألیفی اثرگذار و ارزشمند بالا برده است. وی با وارد کردن اشعار و مثل‌های سائر و برخی آیات و احادیث و تکیه‌کلام‌های کوتاه عربی، نثر خود را غنا بخشیده است و در جهت بومی کردن نثر، از کنایات رایج در زبان مردم و واژه‌های عامیانه و محاوره بخوبی بهره

گرفته است. میرزا حبیب با استفاده از عناصر زبان و نثر کهن به نوعی آشنایی زدایی دست زده و جنبه‌های هنری به نثر خود بخشیده است؛ اما ساده‌نویسی و نزدیک کردن نثر با درک و دریافت عموم را نیز از دست فرو ننهاده است.

منابع و مأخذ

- ۱- از پست و بلند ترجمه، امامی، کریم (۱۳۸۵). جلد اول، تهران: نیلوفر، سوم. از پست و بلند ترجمه، امامی، کریم (۱۳۸۵). جلد اول، تهران: نیلوفر، سوم.
- ۲- از صبا تا نیما، آراین پور، یحیی (۱۳۵۰). جلد اول، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، اول.
- ۳- با چراغ و آینه، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰). تهران: سخن، دوم.
- ۴- «بحثی درباره سرگذشت حاجی بابای اصفهانی و نویسنده آن جیمز موریه»، جوادی، حسن (آذر ۱۳۴۵). مجله وحید، سال سوم، شماره دوازدهم (شماره مسلسل ۳۶)، صص ۱۰۲۶-۱۰۳۳.
- ۵- پانزده گفتار، مینوی، مجتبی (۱۳۴۶). تهران: دانشگاه تهران، اول.
- ۶- «تأثیر گلستان سعدی بر ترجمه سرگذشت حاجی بابای اصفهانی»، دهقانیان، جوادی و صدیقه جمالی (۱۳۹۳). مجله متن شناسی ادب فارسی، دوره جدید، شماره ۳، (پیاپی ۲۳)، صص ۲۱-۳۶.
- ۷- تاریخ بیهقی، بیهقی، خواجه ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۶۸). به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: سعدی، اول.
- ۸- «تاریخچه ترجمه در ایران»، کریمی حکاک احمد (۱۳۷۸). ترجمه مجدالدین کیوانی، مترجم، ش ۲۹.
- ۹- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، محمود، محمود (۱۳۵۳). جلد اول، تهران، انتشارات شرکت نسبی اقبال و شرکا، چهارم.
- ۱۰- دانشنامه زبان و ادب فارسی (۱۳۸۸). به سرپرستی اسماعیل سعادت، جلد سوم.
- ۱۱- دره نادره، استرآبادی، میرزا مهدی خان (۱۳۶۶). به اهتمام سید جعفر شهیدی، تهران: علمی و فرهنگی، دوم.
- ۱۲- دیوان، حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۲). به تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری، تهران: خوارزمی، دوم.
- ۱۳- دیوان، فرخی سیستانی (۱۳۴۹). به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران: زوآر، دوم.
- ۱۴- سبک شناسی، بهار، محمدتقی «ملک‌الشعرا» (۱۳۷۳). جلد سوم، تهران: امیرکبیر، ششم.

- ۱۵- سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی، موریه، جیمز (۱۳۴۸). ترجمه میرزا حبیب اصفهانی، به تصحیح محمدعلی جمال‌زاده، بی‌نا.
- ۱۶- صد سال داستان‌نویسی ایران، میرعابدینی، حسن (۱۳۸۳). جلد اول و دوم، تهران: چشمه، سوم.
- ۱۷- غزلهای سعدی، سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۱۳۸۵). تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: سخن، اول.
- ۱۸- فن نثر در ادب پارسی، خطیبی، حسین (۱۳۷۵). تهران: زوار، دوم.
- ۱۹- فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، سیما (۱۳۸۰). تهران: مروارید، چهارم.
- ۲۰- فرهنگنامه ادبی فارسی (۱۳۷۶). به سرپرستی حسن انوشه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول.
- ۲۱- کالبدشناسی نثر، ابومحبوب، احمد (۱۳۷۴). تهران: زیتون، اول.
- ۲۲- «کتاب حاجی‌بابا و داستان نخستین محصلین ایرانی در فرنگ»، اقبال، عباس (دی ۱۳۲۳). مجله یادگار، ج اول، شماره پنجم، صص ۲۸-۵۰.
- ۲۳- گلستان سعدی، سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۱۳۶۸). تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی، اول.
- ۲۴- گنجینه سخن، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳). جلد اول، تهران: امیرکبیر.
- ۲۵- مجله ارمان، ساسانی، خان ملک (۱۳۰۸). سال دهم، شماره دوم، سوم و چهارم (اردیبهشت، خرداد و تیر)، صص ۱۱۰-۱۲۰ و صص ۲۶۸-۲۷۲.
- ۲۶- «میرزا حبیب اصفهانی»، رائین، اسماعیل (۱۳۵۷). میرزا ابوالحسن خان ایلچی، تهران: انتشارات جاویدان، اول.
- ۲۷- «نخستین ترجمه سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی به فارسی»، آل داوود، سید علی (۱۳۸۹). نامه فرهنگستان، دوره یازدهم، شماره سوم (پیاپی ۴۳)، صص ۱۲۹-۱۵۰.
- ۲۸- یادداشتهای (مجموعه مقالات)، یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۰). تهران: سخن، اول.